

## چرا اکبر گنجی را آزاد نمی کنند؟

نعمت احمدی



اردیبهشت ماه هر سال یادآور آخرین خداحافظی اکبر گنجی با دوستان روزنامه نگار و ورود به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران (دادگاه مطبوعات) و انتقال به زندان اوین است. گنجی پنج سال تمام، یعنی ۶۰ ماه شمسی و ۱۸۰۰ روز، را در زندان اوین گذرانده است. با او بودند دوستانی که امروز خوشبختانه آزاد و در کنار ما هستند؛ عمادالدین باقی، ماشاءالله شمس الواعظین، لطیف صفری، عزت الله سبحانی، مسعود بهنود، حسن یوسفی اشکوری،

عبدالله نوری، محسن کدیور، احمد زیدآبادی، ابراهیم نبوی و گروهی دیگر که ذکر نام آنان به درازا می کشد.

عمر مفید کاری سی سال است؛ یعنی، پس از سی سال فرد بازنشسته می شود. روزنامه نگاری هم، به تشخیص مجلس، از مشاغل سخت است؛ یعنی، با بیست سال سابقه کار بازنشسته می شوند. پس، اکبر گنجی یک چهارم از عمر مفید روزنامه نگاری خود را پشت میله های زندان سپری کرده است. برابر ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد، در جرایمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس باشد و دو ثلث مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادرکننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند:

۱. هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد.

۲. هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

حال سؤال این است که مجازات آقای گنجی به تبع چه جرمی شش سال تعیین شده است؟ جمع مجازات آقای گنجی شش سال است و قانونگذار صراحتاً از «جرایمی که کیفر قانونی آنها تا سه سال حبس است» یاد کرده است و، با تکیه بر تفسیر موسع، جمع کل زندان را احتساب نمی کنیم، بلکه هر عنوان اتهامی را که در حکم لحاظ شده است، بدون جمع مجموعه حبسهای در نظر گرفته شده، باید در نظر گرفت. پس آقای گنجی، پس از گذراندن نصف مجازات در نظر گرفته شده، مشمول ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی است، زیرا آقای گنجی به یک حبس شش ساله محکوم نشده است، بلکه جمع حبسها شش سال می شود و چون هر یک از حبسها کمتر از سه سال است، پس با گذراندن نصف مدت حبس، مشمول ماده ۳۸ می شود. با این حساب، آقای گنجی دو سال بیش از مدت قانونی در زندان مانده است. در استناد به پرونده های گذشته گنجی هم باید شرایط حکم قطعیت را در نظر بگیریم. جدای از این نکته، مسئولین زندان باید بعد از تحقق شرایط زمانی ماده ۳۸، بدون این که دادگاه صادر کننده رأی، بندهای ۱ و ۲ این ماده را درخواست کرده باشد، به وظیفه خود عمل کنند و به دادگاه اعلام کنند که در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق داشته است یا، با توجه به اوضاع و احوال محکوم، پیش بینی می شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

قانونگذار از واژه «جرم» استفاده کرده است. به راستی، اکبر گنجی مجرم است؟ مطالب مندرج در روزنامه ها، جرم اکبر گنجی است. حال اینکه، برابر اصل ۲۴ قانون اساسی، مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخلّ مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. نوشته های آقای گنجی در حوزه مبانی اسلام نبوده است و در مورد «حقوق عمومی» از زمان محاکمه آقای گنجی تاکنون این رویه

را دادگاه مطبوعات پذیرفته که در مورد «نشر اکاذیب» باید شاکی خصوصی طرح شکایت نماید. برای نمونه، پرونده ای علیه صاحب این قلم طرح شد که اتهام من نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به وسیله مصاحبه و نوشتن مقاله بود و قرار مجرمیت صادر شد و دادگاه، به لحاظ نبود شاکی خصوصی، اتهام را وارد ندانست. شاکی خصوصی آقای گنجی کیست؟ در مورد نگهداری اسناد محرمانه، آقای حجاریان، به عنوان سردبیر روزنامه «صبح امروز»، بارها اعلام کرده اند که مطالب ارسالی شده از وزارت ارشاد برای اطلاع سردبیر را در اختیار آقای گنجی می گذاشته اند. پس، وصف نگهداری اسناد محرمانه هم از بابت عدم طبقه بندی اسناد و هم اینکه صاحب این اسناد (آقای حجاریان) اعلام کرده اند که متعلق به ایشان می باشد منتفی و محکومیت آقای گنجی دور از ذهن است.

پرسش این است که آیا تاکنون سازمان زندانها به وظیفه قانونی خود در مورد گزارش مصادیق بندهای ۱ و ۲ ماده ۳۸ به شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، که شعبه صادرکننده رأی قطعی محکومیت آقای گنجی است، اقدام کرده تا شعبه ۹ از واژه اختیاری «می تواند» استفاده کرده باشد یا نه؟

می ماند بخشنامه های مختلف و رویه های گوناگونی که در مورد آقای گنجی، برخلاف دیگران، اعمال و اجرا شده یا نمی شود. از ۱۸۰۰ روز زندانی آقای گنجی (البته ۱۸۳۰ روز، چون ماه برابر قانون سی روز است) تنها هفت روز به او مرخصی اعطاء شده است، حال اینکه بسیاری از مجرمین مالی و اقتصادی و... مرخصیهای طولانی مدت دارند. اینجانب با اعطاء مرخصی به این قبیل زندانیان موافقم و باور دارم که آقای گنجی و دیگر زندانیان دگر اندیش (مانند برادران محمدی، طبرزدی، باطنی، پیران، زرافشان و...) هم باید بتوانند از این مرخصی ها، که دیگران طبق رویه استفاده می کنند، بهره مند شوند. طبیعی است هفتاد روز مرخصی ظرف مدت ۱۸۳۰ روز با تکیه بر پرونده زندانیان غیر عقیدتی مدت کوتاهی است.

مهمترین موضوع، مسئله بخشنامه های مختلفی است که ریاست قوه قضاییه هر از گاهی، با تکیه بر اختیارات قانونی و اشرافی که بر قوه قضاییه دارند، صادر و از حقوق زندانیان حمایت می کنند؛ خصوصاً، بخشنامه اخیر ایشان که در آن به اعطای مرخصی به زندانیان به مدت سه ماه و نیز معالجه زندانیان مبتلا به امراض صعب العلاج در خارج از زندان، تأکید کرده اند.

نگارنده در سال ۸۱ چند روزی مهمان زندان اوین بود. با پخش خبر بازداشت، نخستین کسی که در صدد ملاقاتم برآمد آقای گنجی بود. در آن تاریخ، آقای گنجی در انفرادی نگهداری می شد. البته، ادعا می شد که یک بند یا سوئیت بند کامل در اختیار وی است و بعد از ظهرها می تواند با یک مأمور در فضای زندان اوین به هواخوری بپردازد. او به دیدن من آمد. از پشت میله های بند قرنطینه با هم چند لحظه احوالپرسی می کردیم. صدای خش دار آقای گنجی و سرفه های متعدد و گاه پیوسته اش به اندازه ای آزاردهنده بود که چند دقیقه اجازه ملاقات از پشت میله ها را به عذاب بدل می کرد. سایر هم بندیهای آقای گنجی، که مدتی را با وی در یک سلول یا سوئیت بند به سر برده اند، شاهد زنده این ماجرا هستند. پرونده پزشکی او هم بیماری آسم را تأیید می کند؛ این بیماری در زندانها رایج و به بیماری «پتو» هم معروف است. (زندانها معتقدند پتوهای نامرغوبی که به عنوان زیرانداز و روانداز استفاده می شود در هوای بسته پرز و کرکی از خود جدا می کنند که عامل تنگی نفس است). این بیماری از قبل آقای گنجی را آزار می داد و فضای بسته زندان بیماری آسم او را از مرز خطر گذرانده است و نمی دانم چگونه سخنگوی قوه قضاییه از سر حال بودن آقای گنجی صحبت کرده اند، در حالی که شواهد و مدارک و وضع بالینی آقای گنجی خبر دیگری می دهد!؟

به هر صورت، با اعتصاب غذای اکبر گنجی، سرنوشت او وارد مرحله جدیدی شده است که باید حداقل قانون را در مورد او اجرا کرد و بخشنامه اخیر رییس قوه قضاییه را که صد در صد شامل آقای گنجی می شود با وضع او منطبق نماییم. در این وضع، هیچ شخصی به اندازه ریاست محترم قوه قضاییه مسئولیت ندارد. هم از این بابت که مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین را برعهده دارند و ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی هم از قوانین لازم الاجرا می باشد و هم مسئول مستقیم اجرای بخشنامه اخیر خودند.

باشد که اکبر گنجی نخست مشمول ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی شود و آزاد گردد. سپس، به سرعت، برابر بخشنامه اخیر ریاست قوه قضاییه، برای مداوای آسم سختی که به آن گرفتار است، اقدام شود.

باید پذیرفت که همه در مقابل قانون برابرند.